

حسین نوری



# نصف العلم فإنها للارث وعليها الفروض تعليقوا

کتابی که نیمی از علم فقه است

\* - موانع ارث

\* - کافر از مسلمان ارث نمی برد

\* - مسلمان از کافر ارث می برد

انسانی و مطالعات فقهی

در مقاله های گذشته به منظور دست یابی به شناخت بهتر و کامل تر قوانین ارث اسلام، نگاهی به قوانین ارث ملت هائی که قبل از پیدایش اسلام وجود داشتند و همچنین ملت هائی که پس از پیدایش اسلام با به عرصه وجود نهاده اند، افکنديم و سير تاريخی قوانین ارث و تطوراتی را که در طول ادوار و

اعصار برای آن بوجود آمده است، مورد توجه قرار دادیم و در این رابطه با مقایسه‌ای که به عمل آمد، عمق و عظمت و همچنین جامعیت قوانین ارث اسلامی برای ما روشن‌تر و متجلی‌تر گردید.

چنانکه با مطرح ساختن دو مسألهٔ عول و تعصیب و اصولی که تکیه‌گاه فقهای اهل تسنن می‌باشد و مقایسهٔ آنها با اصول ارثی که فقهای شیعه آن را مستقیماً از مکتب اهل بیت حضرت پیغمبر (ص) فرا گرفته‌اند، تفاوت این دو خط سیر برای ما آشکار گشت.

اکنون لازم است مسائل دیگری از این کتاب — که حضرت رسول اکرم (ص) آن را نیمه از علم فقه قلمداد کرده است — را نیز مطرح کنیم تا بر عمق و جامعیت قوانین ارث اسلامی بیش از پیش واقف شویم.

#### موانع ارث:

یکی از مباحث نسبتاً مهم ارث، بحث از موانع ارث است که اکنون آن را مورد توجه قرار می‌دهیم:

در اسلام چند موضوع به عنوان موانع ارث معرفی شده است که مهمترین آنها این دو عامل است:

\* ۱ - کفر

\* ۲ - قتل

در رابطه با مانع اول یعنی کفر، به چند مسأله ناید توجه کنیم:

□ الف - کافر از مسلمان هرگز ارث نمی‌برد چه اینکه کافر حربی باشد یا ذمی<sup>۱</sup>، اصلی باشد یا مرتد و مرتد نیز فطری باشد یا ملی<sup>۲</sup>.

مسألهٔ ارث نبردن کافر از مسلمان علاوه بر اینکه مورد اتفاق قاطبهٔ فقهای

۱ - کفاری که اهل کتاب هستند و در زیر سیطرهٔ حکومت اسلامی بسر می‌برند و در برابر قوانین مملکتی که از طرف حاکم اسلامی مقرر می‌شود مطیع می‌باشند کافر ذمی نامیده می‌شوند و اگر چنین نباشند کافر حربی خوانده می‌شوند.

۲ - مرتد فطری کسی است که در حال انعقاد نطفه‌اش، پدر و مادرش یا یکی از آنها مسلمان بوده و او پس از بلوغش به کفر گرائیده باشد و مرتد ملی کسی است که هیچیک از پدر و مادر او در حال انعقاد نطفه‌اش مسلمان نباشند، ولی او پس از بلوغ اسلام آورده و بعد از آن به کفر گرائیده باشد.

اسلام است، احادیث بسیاری نیز با تعبیرات مختلفی از قبیل اینکه کافر از مسلمان یا نصرانی یا مشرک یا یهودی، از مسلمان ارث نمی‌برد، بطور صریح بر آن دلالت دارند<sup>۱</sup>.  
□ ب - کفر هر چند - چنانکه گفته شد - مانع ارث بردن کافر از مسلمان است ولی مانع از آن نمی‌شود که کسانی که به واسطه این کافر با مسلمانی که از دنیا رفته است، خویشاوندی نسبی یا سببی دارند و مسلمان نیز می‌باشند از آن مسلمان ارث ببرند.

مثلاً اگر پدری که مسلمان است و فرزند کافری دارد، از دنیا رفت، آن فرزند کافر از پدر خود ارث نمی‌برد ولی اگر این کافر، فرزند مسلمان داشته باشد، او از جد خود ارث می‌برد.

و در این مورد، ضابطه کلی این است که وجود آن وارث کافر را به واسطه کفری که دارد نادیده بگیریم و ارث را میان سایر وراثت که مسلمان می‌باشند براساس ضوابط ارث تقسیم نمائیم.

□ ج - مسلمان از کافر ارث می‌برد.

یکی از مسائلی که میان ما و فقهای اهل تسنن مورد اختلاف است، این است که فقهای شیعه همگی قائلند به اینکه هر چند کافر از مسلمان ارث نمی‌برد ولی مسلمان از کافر ارث می‌برد.

اما فقهای اهل تسنن، اعم از شافعی و حنبلی و مالکی و حنفی همه گویند: «همانطور که کافر از مسلمان ارث نمی‌برد، مسلمان نیز از کافر ارث نمی‌برد»<sup>۲</sup>.  
عالم بزرگوار سید مرتضی در کتاب انتصار که متکفل بیان مسائلی است که فقط امامیه به آن قائل می‌باشند می‌گوید:

از جمله مسائلی که امامیه در برابر اهل تسنن به آن قائل هستند این است که مسلمان از کافر ارث می‌برد.<sup>۳</sup>

این رشد اندلسی که از فقهای مشهور اهل تسنن است در کتاب *بداية المجتهد ونهاية المقتصد* می‌گوید:

همه علماء از صحابه و تابعین و فقهاء می‌گویند: مسلمان از کافر ارث نمی‌برد.<sup>۳</sup>

۱ - وسائل الشیعة ج ۱۷ ص ۳۷۴.

۲ - کتاب انتصار ص ۳۰۴.

۳ - کتاب *بداية المجتهد ونهاية المقتصد* ج ۲ ص ۳۴۶.

و در کتاب الفقه علی المذاهب الخمسة این چنین آمده است:

حنفی و شافعی و حنبلی و مالکی، همه معتقدند که مسلمان از کافر ارث نمی برد.

شیخ طوسی در کتاب خلاف در مسأله ۱۶ از کتاب ارث گوید:

همه فقهای اسلام در اینکه کافر از مسلمان ارث نمی برد، اتفاق نظر دارند ولی ارث بردن مسلمان از کافر مورد اختلاف است، ما گروه امامیه معتقدیم که مسلمان از کافر ارث می برد اما فقهای اهل سنت می گویند: مسلمان نیز از کافر ارث نمی برد.

دلیل ما در این مسأله، اجماع فقهای شیعه و احادیثی است که از اهل بیت (علیهم السلام) رسیده است و نیز گفتاریغمبر بزرگ اسلام (ص) که فرموده است: «اسلام برتری دارد و اسلام موجب بالا رفتن موقعیت است» اقتضا می کند که هر چند کافر از مسلمان اثر نمی برد - مسلمان از کافر ارث ببرد.<sup>۱</sup>

و بالاخره احادیث فراوانی که از اهل بیت علیهم السلام صادر گردیده و بسیاری از آنها از لحاظ سند، صحیح و معتبر می باشند، بر این مطلب تأکید دارند که مسلمان از کافر ارث می برد و تعدادی از آنها این موضوع را نشانه عزت اسلام معرفی می کنند.

برای نمونه:

عبدالرحمن فرزند اعین که یکی از برادران محدث مشهور، زراره می باشد از حضرت باقر (ع) سئوال می کند: یک مرد نصرانی از دنیا رفته و یک فرزند مسلمان دارد آیا این فرزند از آن پدر ارث می برد؟ حضرتش در پاسخ فرمودند: بلی ارث می برد، خداوند متعال به واسطه اسلام بر عزت و عظمت ما افزوده است و لذا ما از کفار ارث می بریم ولی آنها از ما هرگز ارث نمی برند.<sup>۲</sup>

□ د - مسلمان علاوه بر اینکه از کافر ارث می برد مانع آن نیز می شود که کفاری که از لحاظ طبقات و مراتب ارث با این مسلمان هم رتبه هستند، ارث ببرند مثلاً اگر کافری مرده است و دارای فرزندی است که فقط یکی از آنها مسلمان است، در این صورت تنها آن فرزند مسلمان از آن کافر ارث می برد و فرزندان دیگر آن کافر، از او ارث نمی برند.

این مطلب مورد اتفاق فقهای امامیه است و احادیثی نیز از حضرت

۱ - کتاب الفقه علی المذاهب الخمسة ص ۴۶۶.

۲ - خلاف ج ۲ ص ۳۸.

۳ - وسائل الشیعة ج ۱۷ ص ۳۷۵.

امیرمؤمنان (ع) و حضرت صادق (ع) بر آن دلالت دارد<sup>۱</sup>.

دلیل عمده فقهاء اهل تسنن که می‌گویند: مسلمان از کافر ارث نمی‌برد. حدیثی است که از حضرت پیغمبر اکرم (ص) به این مضمون: لا یتوارث اهل ملین، یعنی دو ملت مختلف از یکدیگر ارث نمی‌برند، نقل کرده‌اند<sup>۲</sup>.

و به استناد این حدیث می‌گویند نه کافر از مسلمان ارث می‌برد و نه مسلمان از کافر، ولی اهل بیت پیغمبر (ص) که ادوی بما فی البیت (به آنچه که در خانه آنها بوجود آمده و نازل گردیده است داننا تر می‌باشند) هستند می‌فرمایند: معنای این حدیث این است که توارث میان ملت مسلمان و ملت کافر وجود ندارد، و آنها از یکدیگر بطور متقابل ارث نمی‌برند، اما مسلمان از کافر به حکم عزت و عظمت اسلام ارث می‌برد و این مطلب را اهل بیت عصمت و طهارت (سلام الله علیهم) در طری احادیث متعددی بیان نموده‌اند که برخی از آنها ذکر گردید.

□ هـ - مرتد - اعم از فطری و ملّی - در این موضوع حکم مسلمان را دارد و هرگز کفار از او ارث نمی‌برند ولی فقهای امامیه می‌گویند در صورتی که مرتد دارای وارث مسلمان نباشد وارث او امام است و همه اموالش به عنوان ارث به امام منتقل می‌شود و او در هر راهی که مصلحت بدانند به مصرف می‌رساند و در زمان غیبت ولی عصر (علیه السلام) ولی فقیه از او ارث می‌برد و در هیچ حال، از مال او به ورثه کافرش داده نمی‌شود<sup>۳</sup>.

در این مورد شافعی و مالک و احمد بن حنبل، می‌گویند: در صورتی که آن مرتد وارث مسلمان نداشته باشد مال او به بیت المال منتقل می‌شود و جزء بیت المال می‌گردد.

ابوحنیفه می‌گوید: اموالی که این مرتد در حال مسلمان بودن به دست آورده

۱- وسائل الشیعة ج ۱۷ ص ۳۷۴ و ص ۳۸۴.

۲- سنن ترمذی ج ۴ ص ۴۲۴ باب ۱۶ حدیث ۲۱۰۸

سنن ابی داود ج ۳ ص ۱۲۶ حدیث ۲۹۱۱

سنن دارمی ج ۲ ص ۳۶۹

سنن ابن ماجه ج ۲ باب ۶ ص ۹۱۲ حدیث ۲۷۳۱

مسند احمد بن حنبل ج ۲ ص ۱۹۵.

۳- این موضوع درباره مرتد فطری مسلم و اجماعی است و درباره مرتد ملّی مورد بحث است، به مبسوط

شیخ طوسی ج ۴ ص ۱۱۲ مراجعه فرمائید.

است به وارث مسلمان او منتقل می‌گردد و اموالی که پس از ارتداد به دست آورده است به بیت المال باید منتقل شود.

دلیل فقهای امامیه در این مسأله احادیثی است که از اهل بیت عصمت (سلام الله علیهم اجمعین) صادر گردیده است.<sup>۱</sup>

شیخ طوسی (رضون الله علیه) در کتاب خلاف در مسأله ۱۱۰ از کتاب ارث بعد از نقل اقوالی که ذکر گردید می‌گوید: دلیل امامیه، اجماع و اخباری است که در مسأله از انمه (ع) رسیده است.

□ و — در صورتی که همه ورثه میت مسلمان، کافر باشند، هیچیک از آنها نمی‌توانند از آن مسلمان ارث ببرند و همه اموال او به امام مسلمانان — که او وارث کسانی است که وارث ندارند — منتقل می‌گردد.

این موضوع مورد اتفاق نظر همه فقهای امامیه است و حدیثی نیز که سند آن صحیح و مورد استناد فقها است از حضرت صادق (ع) صادر گردیده<sup>۲</sup>. و دلالت بر این مطلب دارد.

□ ز- هر چند کافر همانطور که گفتیم از مسلمان ارث نمی‌برد ولی گاهی اسلام آوردن او بعد از مرگ میتی که اگر مسلمان بود از او ارث می‌برد، مؤثر واقع می‌شود و ارث می‌برد، و آن در صورتی است که اسلام آوردن او پیش از تقسیم مال میت صورت بگیرد و در این صورت اگر او با وراثت دیگر در یک طبقه باشد — مثل اینکه این کافری که هم اکنون اسلام آورده، فرزند آن میت باشد و ورثه دیگر نیز برادران او باشند — در این صورت با آنها در ارث بردن شریک خواهد شد و چنانچه نسبت به آنها اولویت دارد یعنی از لحاظ طبقه مقدم بر آنها باشد — مثلاً او فرزند میت باشد و ورثه دیگر برادران میت باشند — در این صورت تمام اموال آن میت به این فرزند که پس از مرگ پدر اسلام آورده است تعلق پیدا می‌کند (در این مسأله میان مسلمان و کافر بودن میت فرقی نیست).

این مسأله نیز از جمله مسائلی است که فقط ما که از اخبار اهل بیت (علیهم

۱ — به تہذیب شیخ طوسی ج ۹ ص ۳۷۲ — ۳۷۹ و استصحاب ج ۴/۱۹۳ و من لایحضرہ الفقیہ ج ۴ ص ۳۳۸ مراجعه فرمائید.

۲ — وسائل الشیعة ج ۱۷ ص ۳۸۱.

السلام) الهام می‌گیریم و گفتار آنها را مانند قرآن و سنت پیغمبر (ص) منبع فقهی خود می‌دانیم، به آن قائل هستیم زیرا احادیث متعددی که نوعاً از جهت سند نیز صحیح و معتبر می‌باشند، براین موضوع دلالت دارند.<sup>۱</sup>

شیخ طوسی در کتاب خلاف می‌گوید:

هرگاه کافری پیش از قسمت میراث، اسلام بیاورد در ارث بردن شرکت می‌جوید ولی اگر بعد از قسمت کردن میراث، اسلام بیاورد، اسلام آوردن او تأثیری ندارد.

و پس از آن می‌گوید: که این مطالب مورد اجماع امامیه است و احادیث ما نیز آن را اقتضا می‌کند و مقتضای ظواهر آیات قرآن نیز، همین است و در صورتی که بر حال کافر خود باقی بماند و اسلام نیاورد و یا اسلام آوردن او پس از تقسیم اموال میت باشد، ارث نمی‌برد.<sup>۲</sup>

□ ح- از آنچه که در بند «ز» گفته شد حکم اسلام آوردن کافر پیش از تقسیم اموال میت و همچنین حکم اسلام آوردن او بعد از تقسیم آن اموال روشن گردید، که در صورت اول در ارث بردن، سهم می‌شود و در صورت دوم اسلام آوردن او بی‌تأثیر است.

اکنون این سؤال در اینجا پیش می‌آید که اگر اسلام آوردن او با تقسیم اموال

میت بطور متقارن و همزمان صورت بگیرد آیا در این صورت ارث می‌برد؟

در پاسخ این سؤال باید گفت: با توجه به مضمون احادیثی که در این مورد

رسیده و مقتضای صناعت فقهی، آن است که اسلام او بی‌اثر باشد و ارث نبرد.<sup>۳</sup>

□ ط- اسلام آوردن کافر به شرحی که گفته شد، در صورتی که قبل از تقسیم

مال میت باشد در ارث بردن او تأثیر دارد و اگر بعد از تقسیم باشد بی‌اثر است، حال

این بحث پیش می‌آید که در فاصله مرگ آن میت و اسلام آوردن این کافر (که پس از

اسلام آوردن آن را تصاحب خواهد کرد) این مال، از آن کیست؟

چون از طرفی از ملک میت (بواسطه مردن او) خارج گردیده است و کافر هم

که هنوز اسلام نیاورده است و مال هم که بدون مالک نمی‌تواند باشد.

این نکته نیز معلوم است که اصل مال، مال هر کس باشد عائدات آن نیز مال

۱- وسائل الشیعة ج ۱۷ ص ۳۸۰.

۲- خلاف ج ۲ ص ۸۳ سائفة ۱۸ از کتاب ارث.

۳- زیرا در مفاد آن احادیث در این مورد تعارض پیش می‌آید و مقتضای آن تساقط است و پس از تساقط به عموم عدم ارث کافر از مسلمان و یا با مسلمان، رجوع می‌شود.

او خواهد بود مثلاً گوسفندی که شیر می‌دهد و بچه می‌آورد و درختی که میوه می‌دهد، در این مدت این قبیل عائدات که در اصطلاح فقهی به آن نماء گفته می‌شود، از آن چه کسی خواهد بود؟

صاحب جواهر بر اساس ضابطه کشف چنین معتقد است که این قبیل نمائات نیز مال همان کافری خواهد بود که بعداً اسلام می‌آورد، به این معنا که اسلام آوردن او بعداً کشف می‌کند که اصل مال پس از مرگ میت از آن او بوده است (البته آن مقداری که سهم او از میراث است) و در نتیجه، نمائات آن نیز متعلق به او خواهد بود. باید دانست که این نظریه، قابل توجه و صحیح است و می‌توان آن را از احادیثی که در مسأله وارد گردیده است، به دست آورد.<sup>۱</sup>

ادامه دارد

۱ - از مفهوم حدیث ۱ و ۵ و از منطوق حدیث ۲ و ۳ و ۴ از باب ۳ از ابواب موانع ارث در ص ۳۸۰ وسائل الشیعه ج ۱۷.

من ابی عبدالله (ع): قال علی بن الحسین (ع):

حجوا و اعتمروا تصح ابدانکم ، و تتسع ارضا فکم ، و تکفون  
مونات عیالاتکم ، و قال : الحاج مغفور له و مویوب له الجنة ،  
و مستأ نفعه العمل ، و مطرظ فی اهلہ و ماله .

امام صادق (ع) روایت کند که امام سجاد (ع) فرمود:

حج و عمره بجا آورید تا صحت بدن و وسعت روزی پیدا  
کرده و مونه و مخارج عیال و اولادتان را به دست آورید ، و  
همچنین فرمود: گناهان حاجی آمرزیده گشته و بهشت بر او  
واجب شده و اهل و مالش محفوظ می‌ماند ، و کارنامه اعمالش  
از نو نوشته می‌شود .

وسائل الشیعه ج ۸ - کتاب الحج ، ابواب وجوب الحج و شرائطه

- ص ۵ ج ۷ .